

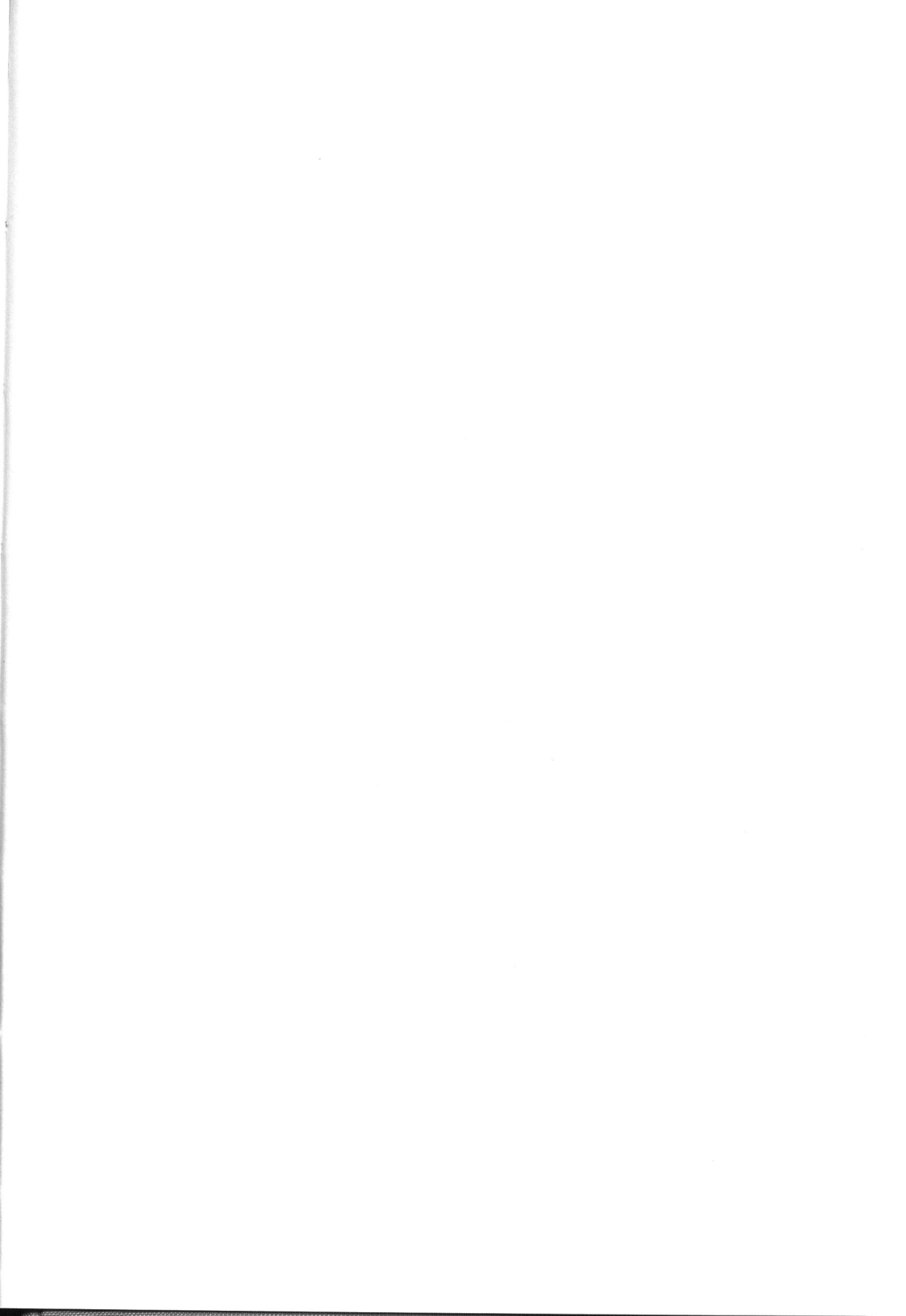
دفتری برای ایران

نامه‌های فارسی به ولادیمیر مینورسکی



به کوشش

دکتر گودرز رشتیانی





مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۶۳]

گنجینه کلیات و مقالات



هیأت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله محتبایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ‌الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



دفتری برای ایران

نامه‌های فارسی به ولادیمیر مینورسکی



به کوشش دکتر گودرز رشتیانی (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)

گرافیسیت، طراح و مجری جلد
صفحه‌آرا
لیتوگرافی
چاپ متن
صحافی
تیراژ
چاپ اول

کاوه حسن بیگلر
نرگس عباسپور
کوثر
آزاده
حقیقت
۱۱۰۰ نسخه
تابستان ۱۳۹۸

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار
خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک‌وی، خیابان عارف‌نسب
تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۶ دورنما: ۲۲۷۱۳۹۳۶
با همکاری انتشارات سخن
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸
تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲
تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها
۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قفنامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - بازرس)
سید محمود دعایی - دکتر علی محمد میر (جانشین: دکتر احمد میر)
ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

موسسه فرهنگی هنری دکتر محمود افشار

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) - دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - آرش افشار (بازرس)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار
مهندس نادر افشار - بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر محمدعلی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ و وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ و وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زبان هم جایز است طبق ماده ۲۷ و وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت‌نامهٔ دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمت‌های مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت‌نامهٔ دهخدا و محل مؤسسهٔ باستان‌شناسی به‌طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق مادهٔ دوم برای اجرای مفاد وقف‌نامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می‌باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می‌گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق مادهٔ ۳ موافقت‌نامهٔ نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیتهٔ انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی ادارهٔ امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیتهٔ نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

هفتم

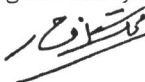
چون نگارندهٔ این سطور به واسطهٔ کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها پردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می‌توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف‌های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همهٔ ایرانیان است می‌باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی

آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صددرصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

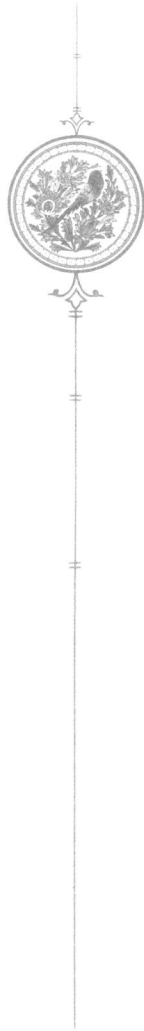
اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتبی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

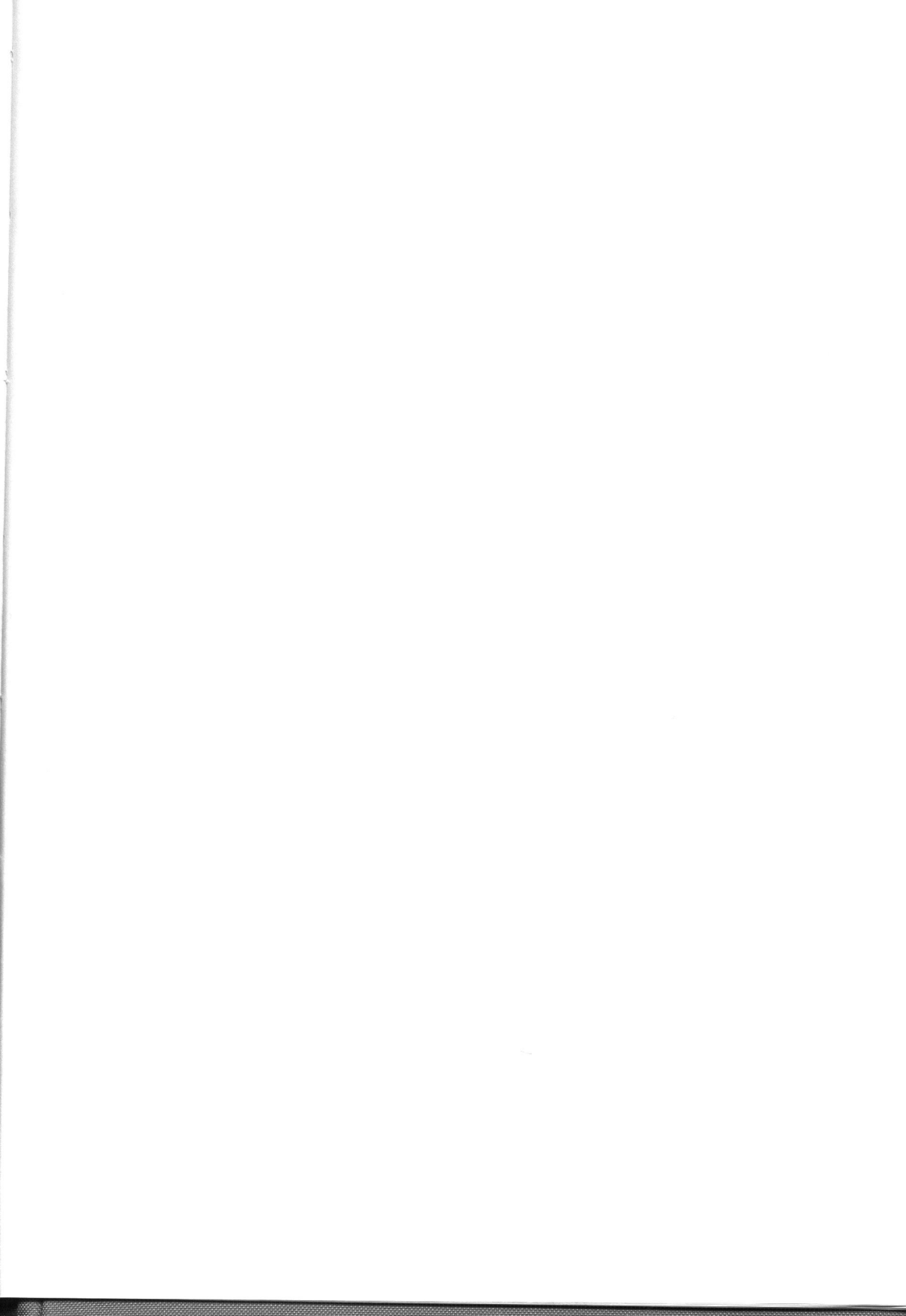
نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آنکه اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم‌مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفاظیه پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبادا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواست و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

تقدیم بہ بانو لیلا
مسافر ابدی ۱۸ مہر ۱۳۹۳



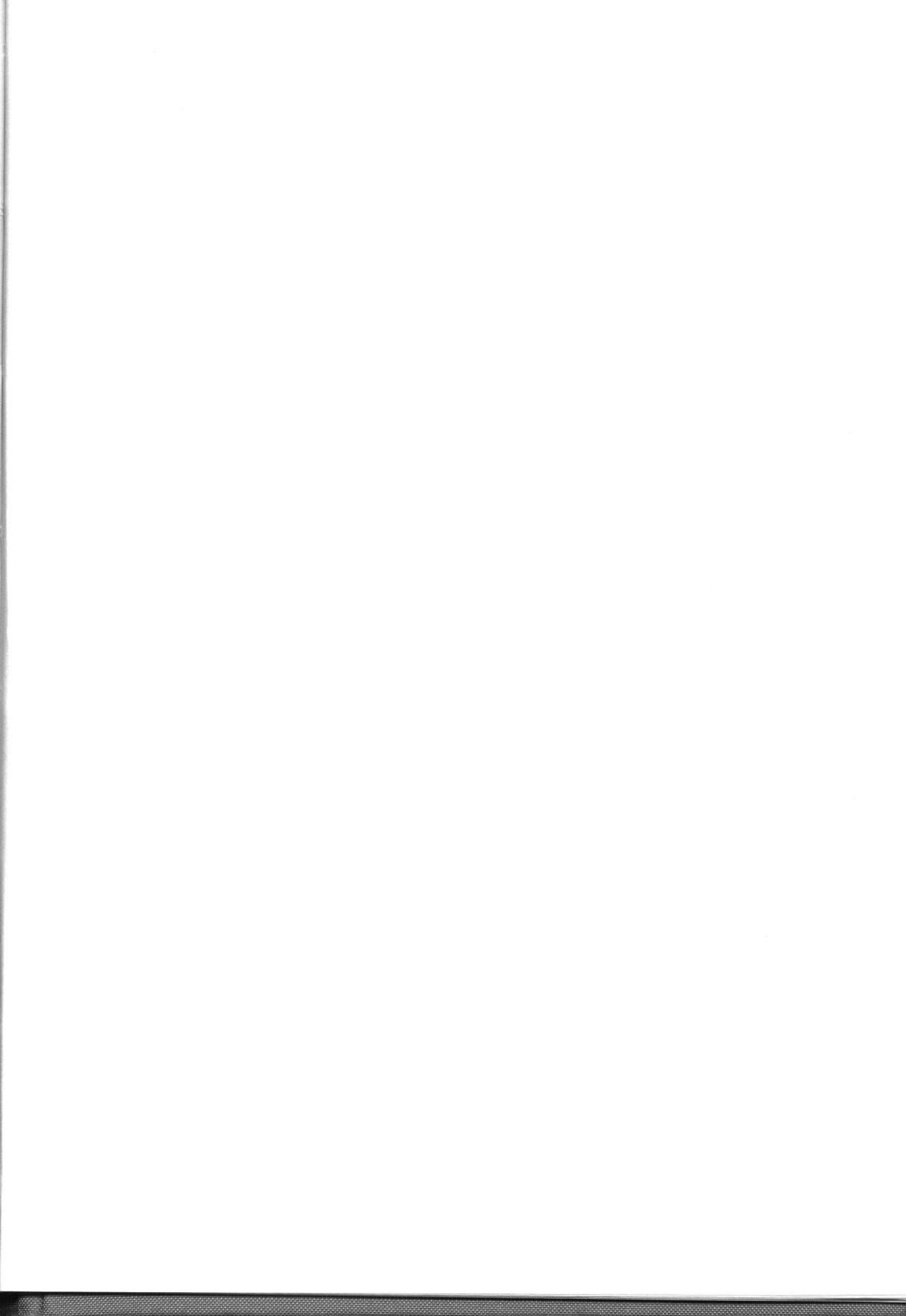


فهرست

۱۹ مقدمه
۳۱ علائم اختصاری
نامه‌ها	
۳۳ محمد قزوینی
۱۴۹ سید حسن تقی‌زاده
۲۲۱ عباس اقبال آشتیانی
۲۵۱ ایرج افشار
۲۶۹ بدیع‌الزمان فروزانفر
۲۷۳ مجتبی مینوی
۲۸۵ ذبیح‌الله صفا
۲۹۵ عبدالحسین زرین‌کوب
۳۰۱ محمد علی جمال‌زاده
۳۰۷ احسان یارشاطر
۳۲۷ محمد معین
۳۳۱ علی‌اکبر سیاسی
۳۳۵ سید محمد دبیرسیاقی
۳۳۹ فریدون آدمیت
۳۴۳ علی‌اصغر حکمت
۳۵۵ صادق هدایت
۳۵۷ محمد تقی بهار (ملک‌الشعراء بهار)

- ۳۵۹ رشيد ياسمى
- ۳۷۱ عبدالعلى كارنگ
- ۳۸۹ پرويز ناتل خانلرى
- ۳۹۱ عبدالرسول خيامپور
- ۳۹۷ مهدي محقق
- ۴۰۱ مهدي بيانى
- ۴۰۷ غلامحسين مصاحب
- ۴۱۳ محمدامين رياحى
- ۴۱۵ سيدصادق گوهرين
- ۴۱۷ مصطفى مفرى
- ۴۲۱ بزرگ علوى
- ۴۲۳ جواد شيخ الاسلامى
- ۴۳۵ محمود صناعى
- ۴۴۳ تهمورس آدميت
- ۴۴۵ حسين نخجوانى
- ۴۵۱ سعيد مطبب كردستانى
- ۴۵۷ كريم سنجابى
- ۴۵۹ علاء السلطنه
- ۴۶۱ محسن صبا
- ۴۶۳ فرنگيس نمازى (شادمان)
- ۴۷۷ سيد فخرالدين شادمان
- ۴۹۳ على سهيلى
- ۴۹۷ راجر سيورى
- ۵۰۱ سلطان حسين سندجى
- ۵۰۵ احمد فرهادمعمد
- ۵۰۷ سيد محمود فرخ
- ۵۱۱ شيرين و سعيد نفيسى

۵۱۳.....	علی‌نقی حکمی
۵۱۷.....	قاسم غنی
۵۱۹.....	موسی عمید
۵۲۱.....	محمود اعتمادیان
۵۲۳.....	آوانس حق نظریان
۵۲۵.....	حسین علی قراگوزلو
۵۲۹.....	حسین علی سلطان‌زاده پسیان
۵۳۳.....	تقی نبوی
۵۳۷.....	میرزا جهانگیرخان یکانلو مرنندی (ناظم‌الملک)
۵۴۳.....	حسین حزن‌ی مکریانی
۵۴۵.....	محمدحسین مکری
۵۴۷.....	محمد مکری
۵۵۱.....	منوچهر اقبال
۵۵۳.....	منوچهر وارسته
۵۵۵.....	تورخان گنجه‌ای
۵۵۹.....	عذرا غفاری
۵۶۳.....	عبدالرحمن پژواک
۵۶۵.....	علی‌اصغر مجتهدی
۵۶۷.....	محمدتقی مصطفوی
۵۷۱.....	محمد نخجوانی
۵۷۳.....	امیرعباس حیدری
۵۷۹.....	شرکت سهامی تحریر ایران
۵۸۱.....	نامه سرگشاده قوام‌السلطنه
۵۸۵.....	گزیده تصویر نامه‌ها
۶۳۱.....	فهرست منابع و مآخذ
۶۳۷.....	نمایه



مقدمه

مجموعه حاضر که «دفتری برای ایران؛ نامه‌های فارسی به ولادیمیر مینورسکی» نام گرفته است شامل مکاتبات استادان، پژوهشگران و ایران‌شناسان عمدتاً ایرانی با ولادیمیر مینورسکی (۱۸۷۷-۱۹۶۶ م / ۱۲۵۵-۱۳۴۵ ه.ش) ایران‌شناس برجسته سده بیستم میلادی است. این دفتر بخش کوچک و در عین حال قسمت مهمی از گنجینه پژوهشی مینورسکی است که در سنت‌پترزبورگ روسیه نگهداری می‌شود. پیشتر با انتشار کتاب فهرست تفصیلی گنجینه پژوهشی ولادیمیر مینورسکی با همکاری همسر دکنر ناهید عبدالتاجدینی در سال‌های اقامت در این شهر، فهرست کامل این گنجینه در دسترس پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار گرفت.

به دلیل جان باختن تعدادی از شرق‌شناسان و ایران‌شناسان شوروی در زمان محاصره لنینگراد سابق، مینورسکی وصیت کرده بود اسناد و مدارک شخصی‌اش به انستیتوی نسخ خطی شرقی آکادمی علوم روسیه در این شهر (سنت‌پترزبورگ کنونی) سپرده شود که این کار توسط همسرش تاتيانا مینورسکایا به اتمام رسید و در حال حاضر بخشی از کتابخانه و این اسناد در آرشیو شرق‌شناسان این انستیتو نگهداری می‌شود. تنظیم و دسته‌بندی اسناد این آرشیو در سال ۱۹۷۴ شروع شد که با فراز و نشیب‌هایی تا سال ۱۹۹۵ ادامه یافت و از سال ۲۰۱۰ به بعد امکان مطالعه و پژوهش در آرشیو مینورسکی فراهم شد.

آرشیو مینورسکی در این انستیتو به شماره/فوند ۱۳۴ در ۶ بخش/اُپیس موجود است که به صورت موضوعی تنظیم شده و کلیات آن از این قرار است:

بخش ۱: آثار علمی مینورسکی (۱۹۰۲-۱۹۶۳)، ۸۲۸ پرونده (از یک تا صدها برگ):

۱. تاریخ و تاریخ‌نگاری ایران و مناطق مجاور آن (۱۹۲۴-۱۹۶۳)
۲. تاریخ اسلام و فرق اسلامی در ایران (۱۹۱۰-۱۹۵۶)
۳. اقوام ایرانی (۱۹۰۲-۱۹۵۸)
۴. زبان‌شناسی، ادبیات و هنر ایران و کشورهای مسلمان (۱۹۳۱-۱۹۵۹)
۵. منبع‌شناسی شرق نزدیک و میانه (۱۹۳۱-۱۹۶۲)
۶. آثار اجتماعی سیاسی (۱۹۰۹-۱۹۶۳)
۷. مقالات برای دایرةالمعارف‌ها (۱۹۲۵-۱۹۵۲)
۸. ترجمه‌ها (۱۹۱۴-۱۹۶۱)
۹. جزوات درسی (۱۹۲۱-۱۹۵۶)
۱۰. سخنرانی‌ها و ارائه مقاله در کنفرانس‌ها (۱۹۱۶-۱۹۶۲)
۱۱. اظهارنظرها، ارزیابی‌ها و داوری‌های علمی (۱۹۱۳-۱۹۶۳)
۱۲. گزارش مأموریت و سفرهای رسمی (۱۹۰۲-۱۹۱۷)
۱۳. کپی اسناد تاریخی و نسخ خطی به زبان‌های شرقی

بخش ۲: اسناد شخصی، خانوادگی و شغلی (۱۸۸۷-۱۹۷۷)، ۵۶۹ پرونده (از یک تا صدها برگ):

- اول - اسناد شخصی و خانوادگی (۱۸۲۳-۱۹۷۷)
۱. اسناد و مدارک شخصی (۱۸۸۷-۱۹۶۲)
 ۲. گواهی عضویت در انجمن‌ها و مجامع علمی (۱۹۱۵-۱۹۶۳)
 ۳. تبریک‌های سالروز تولد (۱۹۴۷-۱۹۵۵)
 ۴. دفاتر خاطرات و سفرنامه‌های مینورسکی (۱۹۰۲-۱۹۵۹)
 ۵. ارزیابی‌های دیگران از آثار مینورسکی (۱۹۱۱-۱۹۷۷)
 ۶. اسناد خانوادگی (۱۸۲۳-۱۹۶۶)
- دوم - اسناد مربوط به فعالیت‌های شغلی (۱۸۴۸-۱۹۶۵)
۱. مأموریت در ایران (۱۹۰۲-۱۹۲۳)
 ۲. کمیسیون تعیین مرزهای ایران و عثمانی (۱۸۴۸-۱۹۱۵)
 ۳. اسناد مربوط به فعالیت‌های آموزشی (۱۹۲۴-۱۹۵۷)
 ۴. اطلاعیه‌ها و پوستره‌های برنامه‌های علمی (۱۹۱۴-۱۹۵۶)

۵. اسناد و مکاتبات مربوط به انتشار مقالات (۱۹۶۴-۱۹۱۵)

۶. نشست‌ها، کنفرانس‌ها و کنگره‌های بین‌المللی (۱۹۶۵-۱۹۰۲)

بخش ۳: مکاتبات (۱۸۷۱-۱۹۶۶)، ۲۴۵۵ پرونده (از یک تا ده‌ها نامه):

اول - نامه‌های ارسالی مینورسکی (۱۹۱۳-۱۹۶۵)

۱. به زبان روسی (۱۹۱۳-۱۹۶۵)

۲. زبان‌های اروپایی (۱۹۲۰-۱۹۶۵)

۳. به زبان‌های شرقی (۱۹۳۶-۱۹۴۶)

دوم - نامه‌های مستقل (۱۹۱۴-۱۹۱۹، ۱۹۴۶-۱۹۶۲)

سوم - نامه‌های فرستاده شده به مینورسکی (۱۹۰۳-۱۹۶۶)

۱. به زبان روسی (۱۹۰۳-۱۹۶۵)

۲. به زبان‌های شرقی (۱۹۱۰-۱۹۶۶)

چهارم - نامه‌های مربوط به افراد دیگر (۱۸۷۱-۱۹۶۱)

۱. به زبان روسی (۱۸۷۱، ۱۹۱۲-۱۹۴۷)

۲. به زبان‌های اروپایی (۱۹۰۳-۱۹۶۱)

۳. به زبان‌های شرقی (۱۹۱۴-۱۹۴۶)

پنجم - نوشته‌های روی هدایا (۱۹۲۰-۱۹۶۱)

بخش ۴: آثار علمی دیگران (۱۸۵۴-۱۹۶۴)، ۲۴۳ پرونده (از یک تا صدها مورد):

۱. آثار علمی: مقالات، سخنرانی، ارزیابی‌ها (۱۸۵۴-۱۹۶۴)

۲. آثار علمی افراد نامعلوم (۱۹۱۳-۱۹۶۳)

۳. گزارش‌ها، یادداشت‌ها و بخشنامه‌های رسمی (۱۹۱۰-۱۹۲۴)

۴. گزارش‌ها، یادداشت‌ها و نوشته‌های افراد نامعلوم (۱۹۱۲-۱۹۲۲)

بخش ۵: عکس‌ها (۱۸۸۸-۱۹۶۳)، ۱۱۰ پرونده (از یک تا ده‌ها قطعه عکس):

۱. عکس‌های مینورسکی (۱۹۰۴-۱۹۶۴)

۲. عکس‌های افراد دیگر (۱۸۸۸-۱۹۶۳)

۳. قومیت‌ها، رسوم و آئین‌های مذهبی ایران (۱۹۰۶-۱۹۰۷، ۱۹۳۴)

۴. شهرها و اماکن جمعیتی ایران (۱۹۰۱-۱۹۳۴)

۵. هنرهای ایران (بیشتر قرون میانه)

بخش ۶- کلکسیون اسناد و بریده‌های نشریات (۱۸۲۹-۱۹۶۶)، ۱۴۳ پرونده (از یک تا صدها صفحه):

اول- اسناد (۱۸۲۹-۱۹۵۳)

۱. تاریخ ایران (۱۸۴۶-۱۹۲۱)

۲. تاریخ روسیه (۱۸۲۹-۱۹۲۱)

۳. بیانیه‌ها و اطلاعیه‌ها (۱۸۲۹-۱۹۲۱)

دوم- بریده‌های نشریات (۱۹۰۷-۱۹۶۶)

۱. وضعیت داخلی و بین‌المللی روسیه (۱۹۱۲-۱۹۶۶)

۲. وضعیت داخلی و بین‌المللی کشورهای مختلف (۱۹۰۷-۱۹۶۶)

سوم- روزنامه‌ها (۱۹۱۵-۱۹۶۴)

۱. به زبان روسی (۱۹۱۵-۱۹۱۹)

۲. روزنامه‌ها- به زبان‌های اروپایی (۱۹۱۸-۱۹۶۴)

۳. به زبان‌های شرقی (۱۹۱۸-۱۹۵۶)

یکی از مهمترین بخش‌های آرشیو مینورسکی که در بخش سوم جای داده شده‌اند، نامه‌های مینورسکی و مکاتبات با وی است. از نظر حجم محتوایی، این بخش بیش از نیمی از کل پرونده‌های آرشیو مینورسکی را دربر می‌گیرد. دامنه زمانی این نامه‌ها از سال ۱۹۰۳ تا ۱۹۶۶ است. در اینجا باید به اهتمام مینورسکی در نگهداری بسیار دقیق تک‌تک نامه‌های دریافتی اشاره کرد که با جدیت تمام آنها را دسته‌بندی و محافظت نموده و به احتمال زیاد در زمان حیاتش، بار دیگر آنها را ساماندهی و به ترتیب نویسندگان، آنها را تفکیک نموده و با دست‌خط خود به زبان انگلیسی یا روسی نام فرستنده و در موارد معدودی خلاصه محتوای هر نامه را در حاشیه آن یادداشت کرده است. از این‌رو در صورت نداشتن نام فرستنده یا دشواری در تشخیص، می‌توان با مراجعه به دست‌خط مینورسکی نام فرستنده را پیدا کرد.

یکی دیگر از نکات بسیار جالب توجه، اقدام مینورسکی در تهیه کپی یا رونوشت از تعدادی از نامه‌های ارسالی خود است و با مراجعه به آنها می‌توان از محتوای نامه‌های او به دیگران باخبر شد که به نوعی مکمل نامه‌های ارسالی به او می‌باشند. البته بیشتر این پیش‌نویس‌ها مربوط به نامه‌های

انگلیسی (۳۱۳ پرونده) و سپس روسی (۷۸ پرونده) است و فقط ۲۲ پرونده به زبان‌های شرقی و کمتر از ۱۰ نامه به فارسی، در دسترس است.

محتوای نامه‌ها طیف متنوعی از احوال‌پرسی دوستانه، گفت‌وگو و پرسش و پاسخ‌های علمی، مکاتبات رسمی و کارت‌پستال‌های تبریکی را دربر می‌گیرند. از نظر تعداد زبانی نیز، به ترتیب می‌توان این نامه‌ها را در زبان‌های اروپایی (عمدتاً انگلیسی، سپس فرانسوی، آلمانی و ایتالیایی) ۱۲۵۶ پرونده (هر پرونده از یک تا صدها نامه)؛ روسی ۴۶۳ پرونده؛ زبان‌های شرقی ۲۳۸ پرونده دسته‌بندی کرد. متأسفانه در فرصت پیش‌آمده، امکان مطالعه و دسترسی به نامه‌های غیرفارسی میسر نشد. اما با گذری بسیار اجمالی به نامه‌های انگلیسی می‌توان این ادعا را مطرح کرد که محتوای آنها از چنان ظرفیت پژوهشی بالایی برخوردار است که می‌تواند زمینه چندین پژوهش آکادمیک برجسته باشد.

به عنوان نمونه پس از انتشار ترجمه انگلیسی حدودالعالم که رویداد علمی مهمی در آن سال‌ها محسوب می‌شد، بسیاری از شرق‌شناسان دنیا ضمن ارسال نامه و تبریک انتشار آن، به اظهارنظر درباره اطلاعات محتوایی آن پرداخته و در موارد متعددی پیشنهادات یا انتقاداتی را مطرح نموده‌اند. در بین نامه‌های انگلیسی حدود ۲۰۰ نامه مختص به حدودالعالم شناسایی کرده‌ام که با بررسی آنها، می‌توان به بازبینی و تصحیح مجدد حدودالعالم امیدوار بود، موضوعی که دغدغه خود مینورسکی هم بود و همسرش بعد از درگذشت وی قرار بود این اقدام را پیگیری کند. برای حصول اطمینان، باید چاپ باسورث در ۱۹۷۰ از حدودالعالم را بررسی نمود تا معلوم شود چه میزان از اطلاعات این نامه‌ها استفاده کرده است؟

از این‌رو بسی خرسندم که پس از انتشار فهرست تفصیلی گنجینه پژوهشی ولادیمیر مینورسکی توسط انتشارات کتابخانه مجلس و ره‌آورد مینورسکی توسط نشر هرمس، در گام سوم همه نامه‌های فارسی موجود در این گنجینه به تعداد ۵۲۴ طغری، منتشر می‌شود و در دسترس پژوهشگران داخلی و خارجی قرار می‌گیرد.

از مجموعه ۵۲۷ نامه حاضر، بیشترین تعداد (۱۲۷ نامه) به علامه محمد قزوینی تعلق دارد و سیدحسن تقی‌زاده و دیگران در جایگاه‌های بعدی هستند. سیدحسن تقی‌زاده: ۶۹ نامه؛ عباس اقبال آشتیانی: ۲۵ نامه؛ سید فخرالدین شادمان: ۲۲ نامه؛ ایرج افشار: ۲۰ نامه؛ احسان یارشاطر: ۲۰ نامه؛ علی‌اصغر حکمت: ۱۷ نامه؛ فرنگیس نمازی (شادمان): ۱۷ نامه؛ رشید یاسمی: ۱۳ نامه؛ مجتبی مینوی: ۱۱ نامه؛ ذبیح‌الله صفا: ۱۰ نامه؛ غلامحسین مصاحب: ۷ نامه؛ فریدون آدمیت: ۶ نامه و... .

باید در نظر داشت تعدادی از این افراد، همانند ایرج افشار، احسان یارشاطر، علی اصغر حکمت و... به زبان انگلیسی یا فرانسوی نیز مکاتبات دیگری با مینورسکی داشته‌اند که در بخش جداگانه‌ای از این نامه‌های فارسی دسته‌بندی شده‌اند و در مجموعه حاضر نیز اشاره‌ای به آنها نمی‌شود (برای اطلاع دقیق‌تر بنگرید به: رشتیانی، گودرز و ناهید عبدالتاج‌دینی، فهرست تفصیلی گنجینه پژوهشی ولادیمیر مینورسکی، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳).

با این امید که انتشار مجموعه حاضر بسان گامی کوچک در توسعه مطالعات ایران‌شناسی (تاریخ، ادبیات، فرهنگ، هنر و زبان‌شناسی) و مبنایی برای مطالعات ثانویه باشد، در یک ارزیابی کلی از محتوای نامه‌ها، به خصوص نامه‌های علامه قزوینی، ایرج افشار، سیدحسن تقی‌زاده، مجتبی مینوی، عباس اقبال آشتیانی، عبدالحسین زرین‌کوب و... می‌توان بیشتر آنها را به مثابه یک گفت‌وگوی عمیق علمی مکتوب به شمار آورد که گاه از هر سطر و بندشان، اطلاعات عمیقی می‌توان استخراج کرد؛ برخی از آنها نیز به تنهایی می‌توانند موضوع یک پژوهش مستقل قرار گیرند. از این میان، نامه‌های علامه قزوینی خصوصیات ممتازی دارند. این نامه‌ها علاوه بر ویژگی کمی که بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند، از نظر کیفی و محتوای علمی نیز از غنای بسیار بالایی برخوردارند و پس از گذشت حدود یک سده، هنوز می‌توانند مرجع تحقیقات مربوط قرار گیرند.

توضیح اسامی، معنی لغات و واژه‌ها، توضیح رویدادهای تاریخی، شرح جغرافیای تاریخی شهرها، شرح و تفسیر اشعار و کلمات پیچیده و ریشه‌یابی آنها، نقد متون و اشخاص تاریخی و ده‌ها مورد دیگر از مهمترین ویژگیهای این مکاتبات است. در ادامه به چند نمونه از این نامه‌ها اشاره می‌شود:

می‌دانیم که کتاب تاریخ روابط روس و ایران محمدعلی جمال‌زاده از مهمترین آثار تحقیقی فارسی درباره روابط ایران و روسیه است. دامنه تاریخی این کتاب تا پایان صفویه است و نویسنده در مقدمه کتاب می‌گوید در نظر دارد ادامه روابط دو کشور را تا اول قاجار به رشته تحریر درآورد و یادداشت‌هایی نیز جمع‌آوری نموده. متأسفانه جمال‌زاده موفق به نوشتن ادامه کتابش نشد و خبری هم از یادداشت‌های او در دست نیست. جالب توجه است که در یکی از این نامه‌ها، جمال‌زاده می‌نویسد که تاریخ روابط ایران و روس بعد از ۱۱۳۵ هـ.ق را هم نوشته و آن را به مرحوم تقی‌زاده داده اما در برلین گم شده است. از این رو به احتمال زیاد می‌توان سرنخی از این یادداشت‌ها در میان کتابخانه شخصی تقی‌زاده یا جاهایی که وی در آلمان یا ایران با آن مرتبط بوده پیدا کرد (بنگرید به نامه شماره ۲۶۸ در مجموعه حاضر).

مینورسکی در سال ۱۹۱۹ از ایران به پاریس رفت و با علامه قزوینی آشنا شد و این آشنایی به دوستی عمیقی بدل گشت؛ روابطی که به تبادلات علمی هم کشانده شد و تا درگذشت قزوینی

پایدار بود. از محتوای نامه‌ها چنین بر می‌آید که این دو، تا زمان اقامت مینورسکی در پاریس به مدت یک دهه دیدارهای نسبتاً منظم هفتگی داشتند و در مواردی نیز مرحوم عباس اقبال ضلع سوم این دیدارها بود. مینورسکی در دو مورد ویژه، از اطلاعات قزوینی بهره‌های وافر برده است.

مورد اول هنگام نوشتن مقاله برای دائرةالمعارف اسلام (*Encyclopedia of Islam*) بود که در نامه‌های متعدد، ابهامات و پرسش‌های علمی خود را با قزوینی مطرح می‌کند (شاهسون، سنه، اقطاع، تفلیس، تبریز، تیول، قزاق و...) و او نیز با مراجعه به حافظه و یادداشت‌ها و البته در موارد بسیار با رجوع به منابع و نسخ خطی خود یا کتابخانه ملی پاریس به صورت کاملاً موثق به پاسخگویی آنها می‌پردازد. از این رو ردپای علامه قزوینی را در بسیاری از یکصد مقاله مینورسکی برای دائرةالمعارف اسلام می‌توان مشاهده نمود.

مورد دوم در فرایند ترجمه حدودالعالم بود. همانگونه که گفته شد این متن دارای اطلاعات منحصر به فرد جغرافیایی و در عین حال با محدوده جغرافیایی گسترده از چین و هند تا اروپای غربی است و با توجه به دشواری‌های خوانش متن و نیز اشتباهات کاتبان نسخه، اغلاط فراوانی به این متن وارد شده که کار تصحیح آن نیاز به هم‌فکری گسترده داشت و چه کسی بهتر از قزوینی در اروپای آن روز می‌توانست مددکار مینورسکی باشد؟

از محتوای نامه‌ها چنین بر می‌آید، تعداد زیادی از جلسات هفتگی به خوانش حدودالعالم تعلق داشته و به قدری این کار طول کشیده که در اواخر کار، قزوینی با کمال احترام به مینورسکی، اولتیماتومی به وی صادر کرده و خواستار پایان یافتن هر چه زودتر آن می‌شود (نامه شماره ۷۰ در مجموعه حاضر).

از همین رو بود که مینورسکی با حق‌شناسی تمام، انتشار این کار سترگ را به علامه قزوینی تقدیم کرد تا قدردان همراهی‌ها و همفکری‌های او باشد. قزوینی چنان از این اقدام مینورسکی به وجد آمده بود که به وی نوشت:

دوست عزیز معظّم محترم!

ترجمه و تفسیر کتاب حدودالعالم که از نفایس شاهکارهای کتب جغرافیایی این عصر است و فی الواقع این مرده هزارساله را که مشحون از تصحیفات و تحریفات و اغلاط و اوهام نساخ جاهل بود، سرکار نفع روح جدیدی در آن کرده به کلی احیاء کرده‌اید و اگر مؤلفش زنده می‌بود ابدالدهر ممنون و متشکر زحمات سرکار در تفسیر غوامض آن و حلّ مشکلات آن و توضیح مبهمات آن و تصحیح تصحیفات آن می‌شد، به‌خصوص این ۱۲ نقشه بسیار بسیار متقن مضبوط دقیق را که بر آن افزوده‌اید فوق‌العاده به علم جغرافیا و تاریخ کمک نمایان و خدمت شایانی کرده‌اید. فشرک الله مساعیکم الجمیله و جزاکم الله عن العلم و اهله احسن الجزاء.

فی الواقع ترجمه و احیاء این کتاب قبائی بود که درست بر بالای قامت شما دوخته بوده‌اند و هیچ کس دیگر گمان نمی‌کنم مطلقاً و اصلاً نه از مستشرقین و نه از جغرافیین بدون استثناء، این خدمت عظیم به جغرافی از دستش ممکن نبود برآید در این عصر ما؛ زیرا که یا شخص عالم و فاضل و ادیب است ولی حس و طبع جغرافی که حس و طبع مخصوص است (مثل طبع شاعری و غیره) ندارد، یا جغرافیدان ماهر زبردستی است ولی فارسی و عربی نمی‌داند و از ترجمه‌های دست دوم استفاده می‌کند و حال این قبیل مؤلفین هم که معلوم است چگونه است، یا اگر هم [ص ۲] بالفرض بعضی از این شرایط در کسی اتفاقاً جمع باشد، آن پشتکار خستگی‌ناپذیر سرکار و آن حرص مفرط و ولع شدید سرکار به جمع معلومات از هر جا و هر کس که احتمال مساعدتی در او می‌دهد در اغلب مردم دنیا مفقود است، زیرا که حس انصاف و عدالت در آنها کم نموده و برعکس حس تکبر و غرور و از خود رضائی در منتهی درجه ممکنه در اغلب این عالم یا متعالماً غالب است و با این صفات رذیله هیچ کار خوب علمی مفیدی کسی نمی‌تواند انجام بدهد.

فی الواقع هرچه نظر می‌افکنم زحمات فوق‌العاده که در ترتیب و تفسیر و تبویب و تهذیب و تنقیح این کتاب به خود هموار کرده‌اید، انسان را مبهور می‌کند و جز کسی که دارای همت بسیار بسیار عالی در طلب علم باشد تحمل این همه اتعاب و زحمات و تنقیب و جدّ و جهد برای او میسر نیست و نخواهد بود، متّعنا الله بطول بقانکم.

دیگر چه بگویم از کمال امتنان و اقصی درجه سپاسگزاری و تشکر قلبی صمیمی خود که این کتاب بدیع نفیس شاهکار علم و فضل را به وجود نالایق حقیر فقیر کثیرالتقصیری مثل این بنده اهدا فرموده‌اید. بوالله العلی العظیم در تمام مدت عمر خود این قدر خود را شرم‌نده و خجلت‌زده و هم در عین حال در نهایت درجه خوش‌وقت و سعید ندیده بودم و من هرچه فکر می‌کنم جز بعضی اوقات بعضی [ص ۳] کمک‌های بسیار بسیار جزئی دوستانه که معمولی و طبیعی است مابین هر دو آشنا و دوستی، هیچ کار مهم و خدمت قابل اعتنائی برای سرکار انجام ندادم تا مستحق این افتخار بزرگ و شرف غیرقابل تقدیر، که برای من و خانواده‌ام تا ابدالدهر باقی خواهد بود، باشم.

و این مرحمت فوق‌العاده عجیب عظیم را فقط بر دو چیز حمل می‌کنم: یکی بر منتهی درجه نجابت فطری سرکار و مردانگی و انصاف و عدالت سرکار که نخواستند اید ادنی حق کسی در ذمه سرکاری بی‌اجر بماند، لهذا کاهی را به کوهی تلافی کرده‌اید و مثل خلفا و سلاطین ماضی که به یک قصبه پانصد هزار دینار صله می‌داده‌اند، سرکار هم در ازاء اینکه بنده گاه از لسان‌العرب یک لغتی را بر سرکار استنساخ کرده‌ام یا در فهم عبارتی فارسی که زبان مادری من است به سرکار مساعدت‌هایی کرده‌ام، نام ناقابل مرا یک مرتبه از حسیض ثری به ذروه ثریا رسانده‌اید، بدون هیچ شک و شبهه این نیست مگر از کرم فطری خودتان: از کوزه همان برون تراود که در اوست. و یقین بدانید که اگر فلان و فلان و فلان به جای سرکار بودند، اصلاً و ابداً بوجه من الوجوه به روی خود نمی‌آوردند، چنان‌که هر روز نظایر [ص ۴] آن را به رأی‌العین در مقابل چشم خود می‌بینم.

و دیگری بر نهایت قلت عدد اشخاصی که فی الواقع اندکی در علم و فضل تعمق و رسوخ قدم داشته باشند به‌خصوص مابین مشارقه و از آنجا که خود سرکار مرد دقیق و غیرمسامحه‌کار و غیرسطحی و فی‌الحقیقه به تمام معنی کلمه اهل علم و فضل هستید، همین که شخصی از اهالی

مشرق را دیده‌اید که تا اندازه‌ای طالب علم و دارای عطش اطلاعات است و در عین حال ادنی درجه حسب غرور و و عجب به نفس (چون از نهایت جهل خود مطلع بلکه متیقن است) در او موجود نیست، فوری به نظر دقیق باریک‌بین این تشبه به علم‌ها را نزد او پسندیده‌اید و خواسته‌اید برای سرمشق به دیگران، نام او را به اهداء کتاب نفیس عالمانه فاضلانه خود بلند و ارجمند سازید. تکرار می‌کنم یاد نمی‌آید که در تمام عمر خود، من خود را این قدر در آن واحد هم بی‌نهایت خجلت‌زده و غرق عرق انفعال دیده باشم و هم در اعلی درجه سعید و خوش‌وقت و این دو بیت سعدی عیناً و بدون کم و زیاد حسب حال بنده است نسبت به سرکار عالی:

هم تازه‌رویم هم خجل هم شادمان هم تنگدل کز عهد بیرون آمدن نتوانم این انعام را
گر پای بر فرقم نهی تشریف فرم می‌دهی جز سر نمی‌دانم نهادن عذر این اقدام را
مخلص حقیقی، محمد قزوینی (نامه شماره ۱۱۷ در مجموعه حاضر).

لازم به یادآوری است که این ارتباط، رابطه‌ای دو طرفه بوده و علامه قزوینی نیز در موارد متعدد از جمله در سال‌های تصحیح جهانگشای جوینی ابهام‌ها و پرسش‌های علمی خود را با مینورسکی در میان می‌نهاده است و در چند مورد با عباراتی ویژه او را خطاب قرار داده است که در نامه بالا چند مورد آن ملاحظه شد.

یکی از نامه‌های عباس اقبال آشتیانی نیز جالب است:

.... البته مخلص در نوشتن عریضه به حضور سرکار تقصیر بزرگی دارم و خود به آن معترفم و از این بی‌ادبی عذر می‌خواهم ولی این کیفیت بی‌علت هم نبوده است و چون نمی‌خواهم آنچه در دل دارم نگفته بماند، صریحاً عرض می‌کنم که:

من مکز شنیده‌ام که در غوغای آذربایجان^۱ حضرت عالی گفته یا نوشته بودید که آذربایجان هیچ وقت جزء ایران نبوده و از قدیم مملکتی علی‌حده و مجزا بوده است. من از خدا می‌خواهم که این نسبت ناروا و از جمله تهمت و افترا باشد و به دامان مرد محقق بزرگواری مانند حضرت عالی که عمری را به فحص و بحث حقیقت گذرانیده و حقوق علمی بسیار به گردن ما ایرانیان دارید نچسبد، اما اگر خدای نکرده صحیح بوده باشد، جای کمال تأسف خواهد بود. به همین علت که عرض کردم دل من و هزارها ایرانی دیگر که به مملکت خود علاقه دارند و آذربایجان را جزء لاینفک مملکت خود می‌دانند جریحه‌دار گردید. البته شما که به حق به مملکت و وطن خود علاقه دارید و به مفاخر گذشته آن می‌بایلد، به ما هم حق خواهید داد که مملکت و وطن خود و مفاخر جاویدان آن را دوست داشته باشیم و از کسانی که این حقوق را می‌خواهند از ما سلب کنند برنجیم و دوری بگزینیم. مملکت ما بر اثر حوادثی که سرکار عالی از هرکس بهتر آنها را می‌شناسید، امروز به حال نکبت و بدبختی و بیچارگی افتاده است، اما با تمام این احوال چون مملکت ماست، آن را دوست داریم،

۱. منظور سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۵ است که فرقه دمکرات آذربایجان به رهبری جعفر پیشه‌وری با حمایت شوروی کنترل آذربایجان را به دست گرفت.

هيچ کس نمى تواند از علاقه و مهرورزى نسبت به مادر خود از آن جهت که زشت يا فرتوت شده است دست بکشد و اگر بکشد بي حميت و ناجوانمردانه است.

بارى از آنجا که از ميزان سعه صدر استاد بزرگواري مثل حضرت عالي اطمينان داشتم، شمه‌اى از اين نقشه‌المصدور را خدمت نوشتم. باز هم عرض مى کنم که اميدوارم چنان نسبتى مجعول و بي پايه باشد و با شنيدن تکذيب آن ته دل من پاک شود. به هر حال مراتب ارادت و اخلاص مخلص نسبت به مقام فضل و استادى شخص محترم حضرت عالي کماکان ثابت و برقرار است.

ارادتمند، عباس اقبال (نامه شماره ۲۰۴ مجموعه حاضر)

با بررسى اين نامه‌ها علاقه وافر مينورسكى براى اطلاع از انتشار آخرين كتب و مقالات مرتبط با مطالعات ايران شناسى نمودار مى شود و از همين روى، محققان مختلف ضمن ارائه اطلاعات مرتبط با اين موضوع، در موارد متعدد، كتب و مقالات خود يا ديگران را براى او ارسال مى کردند. متعاقباً مينورسكى نيز جديدترين اخبار مربوط به انتشار كتب و مقالات را در اختيار محققان ايرانى مى گذاشت و در موارد بسيارى، اصل اين آثار را براى آنها ارسال مى کرد. به عنوان نمونه مى توان به موضوع بحرين در دوره پهلوى اول اشاره کرد که وزارت خارجه از او و علامه قزوينى درخواست کرد که آثار تاريخى و جغرافيايى مرتبط با حاکميت تاريخى ايران بر اين جزيره را از اروپا تهيه و به ايران ارسال کنند.

بررسى اين نامه‌ها از زاويه و نگاهى ديگر نيز جالب توجه است. امروزه به دليل گسترش فناورى ارتباطات و در دسترس بودن در لحظه و برخط (آنلاين)، دورى و بُعد مسافت کمترين مانعى در برقرارى ارتباط ايجاد نمى کند. اين فضاي مجازى، دنياى ارتباطات سنتى و فيزيكى را به کلى دگرگون کرده است؛ به گونه‌اى که محقق امروزي در دورترين مسافت ممکن، مى تواند با مخاطب خود در همان لحظه ارتباط يافته و گفتگوى علمى کند.

مطالعه اجمالى مجموعه حاضر روشن مى کند که نسل و نسل‌هاى پيشين براى رساندن پيام خود به مينورسكى يا اطلاع از انتشار کتاب‌ها و مقالات و دسترسى به آنها با چه مشقات و گرفتارى‌هاى روبرو بوده‌اند، و لاجرم مى بايست زمان زيادى براى نوشتن، ارسال و دريافت پاسخ خود از سر بگذراند. محدوديت‌هاى کاغذ و هزينه‌هاى مربوطه نيز مشکلات دوچندانى بر آنها تحميل مى کرد.

به عنوان مثال علامه قزوينى در جستجوى معنا و تاريخچه يک اصطلاح (مثلاً درباره تاريخچه

و معنای شاهسون) در کتابخانه ملی پاریس و آن هم در میان انبوه نسخ خطی که فاقد فهرست و نمایه به شکل و شیوه امروزی هستند، روزهای متمادی به جستجو و مطالعه می‌پرداخت تا پاسخ مینورسکی را فراهم آورد. در صورتی که امروزه با گسترش کتابخانه‌های دیجیتال که تعدادی از آنها امکان جستجوی تمام متن را نیز به امکانات خود افزوده‌اند، می‌توان با سرعتی بسیار بیشتر که دقت افزونتر و ضریب خطای کمتری هم دارد، همان اصطلاح و تاریخچه را در متون مختلف جستجو کرد و نتیجه گرفت. تردید ندارم در صورتی که علامه قزوینی در روزگار ما زندگی می‌کرد، هم از نظر تعداد و کمیت و هم از منظر کیفیت، ثمره بسیار بیشتری بر جای می‌گذاشت.

در مورد دیگر بایستی به تبدیل وقایع تاریخی اشاره کرد که در متن تعدادی از نامه‌ها آمده است و اختلاف نظر زیادی بین نویسنده نامه و مینورسکی درباره تبدیل تاریخ‌های هجری قمری و میلادی به یکدیگر دیده می‌شود. در صورتی که امروزه نرم‌افزارهای متعدد و وبگاه‌های فراوانی در لحظه، تبدیل این رخدادها به تقویم‌های مختلف را انجام می‌دهند و امکان بروز خطا در آنها قریب به صفر است.

همین مزایای گسترش فناوری‌های ارتباطی، در پروسه تحقیق حاضر نیز بسیار مفید و مؤثر واقع شده است. به عنوان مثال اسامی بسیاری از نویسندگان نامه‌ها ناقص بوده است و جستجو در دنیای اینترنت به‌خصوص برای افراد کمتر شناخته‌شده، تنها ابزار ممکن برای رفع نقایص و کامل کردن آنها بوده است. علی‌رغم نگاه بدبینانه بسیاری از محققان به نوشته‌های اینترنتی از جمله ویکی‌پدیا، مایلیم بر این نکته تأکید کنم که همین دانشنامه مجازی به مثابه کلید و راهنما در توضیح اسامی، زندگی نامه و خدمات علمی نویسندگان بسیار راهگشا بوده و در مواردی هم یگانه منبع موجود بوده است. همچنین در تکمیل اطلاعات کتابشناسی از وبگاه کتابخانه ملی و وبگاه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران حداکثر استفاده را برده‌ام.



همانگونه که اشاره شد همه این نامه‌ها در انستیتوی نسخ خطی سنت پترزبورگ - روسیه و در آرشیو ولادیمیر مینورسکی نگهداری می‌شوند. استنساخ متن نامه‌ها مطابق اصول تصحیح اسناد تاریخی با تغییراتی که فراخور پژوهش حاضر بوده، انجام شده است. از این‌رو در متن نامه‌ها به‌جز حداقل استفاده از علایم ویرایشی، هیچ‌گونه دخل و تصرفی صورت نگرفته و در صورت لزوم، اگر کلمه‌ای از روی ناچاری اضافه شده، حتماً در درون دو قلاب [] قرار گرفته است. هر جا که افزودن توضیحی ضروری بوده، در پاورقی مربوطه اضافه شده است. از این‌رو تقریباً همه پاورقی‌ها از مصحح است و چند مورد معدود که مربوط به نویسندگان نامه است، مشخص شده‌اند.

در راستای اصول تصحیح اسناد تاریخی، آدرس آرشیوی هر نامه نیز مشخص شده است و با توجه به فهرست علایم اختصاری در صفحه ۳۱، می‌توان به آدرس دقیق آرشیوی هر نامه در

انستىوى نسخ خطى شرقى سنت پترزبورگ دست پيدا كرد.

از آنجا كه تاريخ هاى مندرج در نامه ها هم بر اساس تقويم ميلادى و هم تقويم هجرى شمسى و در محدود مواردى هجرى قمرى است، لذا همه تاريخ ها به يكديگر تبديل شده اند تا خواننده دچار سردرگمى نشود. همه تاريخ هاى كه داخل دو قلاب [] آمده اند توسط مصحح تبديل و اضافه شده اند.

لازم است از استادم، دكتور منصور صفت گل كه استنساخ و انتشار اين نامه ها را پيشنهاد كردند و نيز استاد محترم، دكتور على اشرف صادقى كه چندين بار بر اهميت مجموعه حاضر پاى فشردند صميمانه سپاسگزارى كنم. از دوست عزيز و پژوهشگر نام آشنا، دكتور محمد افشين وفايى كه دست بر قضا مديريت انتشارات بنياد موقوفات افشار را برعهده گرفته اند نيز بسى سپاسگزارم كه چاپ اين مجموعه را وجهه همت خود ساختند و نكات عالمانه و ارزنده اى را يادآور و متذكر شدند. همچنين دوست عزيزم، آقاى شهاب الدين سمنان، دانشجوى كوشاى گروه تاريخ دانشگاه تهران متن را سه بار به صورت كامل نمونه خوانى كرده و غلط هاى مطبعى و معادل هاى فرانسوى و انگليسى را يادآور شدند، از كمك و همكارى دوستانه ايشان نيز قدردانى مى كنم.

آماده سازى نهايى كتاب در زمان فرصت مطالعاتى در وين صورت پذيرفت كه بدون همراهى و صبورى همسرم ناهيد و پسرم كاوه به سرانجام نمى رسيد. بهروزي ايشان را از يزدان پاك خواستارم.

گودرز رشتياني

۱۳ امرداد ۱۳۹۶ / ۴ اوت ۲۰۱۷

وين - اتريش